پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صص ۱۶۷ـ۱۹۷ (مقاله پژوهشی)

No. 29, Autumn & Winter 2021/2022

بازخوانی سبب نزول آیات اول سوره تحریم با تکیه بر بافت و قرائن تاریخی

عاطفه سلیمانی دودجی[۱]، مهدی احمدی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۲۱ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۲۱)

چکیده

تعدادی از شأن نزول‌های وارد شده پیرامون سوره تحریم دارای اشکالاتی از ناحیه می‌باشند و برخی که از نظر سندی مورد تأیید هستند، نمی‌توانند مفهوم اصلی سوره و منظور از آن رازی که رسول خدا (ص) با همسرش در میان گذاشت، مشخص کنند. در این مقاله ابتدا شأن نزول آیات بررسی شده و ضعیف و غیرقابل استناد بودن آن‌ها اثبات شده است مقایسه سیاق سوره تحریم و آیات سوره احزاب پیرامون جنگ خندق و همسران پیامبر(ص) نزدیک بودن سیاق آن‌ها را نشان می‌دهد. سوره تحریم، می‌تواند در ادامه سوره احزاب نازل شده و دارای یک سبب نزول واحد باشند. طبق سیاق سوره تحریم اقتضا می‌کند که پیامبر(ص) آن راز را ابتدا به خانواده خود در میان گذارد، اما حسادت برخی همسران ایشان برانگیخته شده و سپس کل جامعه اسلامی را تحت‌تأثیر قرار داد. بررسی تاریخی سال نزول سوره احزاب حاکی از آن است که ازدواج پیامبر(ص) با زینب‌بنت‌جحش، دارای این شرایط است. این حادثه با سیاق سوره تحریم، موازین عقلی و تاریخ قطعی کاملا مطابقت دارد.

کلیدواژه‌ها: سبب نزول سوره تحریم، سیاق آیات سوره تحریم، سیاق سوره احزاب، جنگ خندق، زینب‌بنت جحش

---

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)؛
a.s.d.shiraz1374@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛
mahmadi@shirazu.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

مقدمه

یکی از راه‌هایی که می‌توانیم تفسیر و برداشت درستی از آیات قرآن کریم داشته باشیم، بررسی سبب نزول سوره و آیه است. یعنی این آیات در پی چه وقایعی نـازل شـده اسـت. یکی از سوره‌هایی که سبب نزول آن بحث‌برانگیز بوده و مورد اتفاق دانشمندان نبوده است، سوره تحریم است. در این سوره خداوند سخن از سرّی می‌گوید که رسول‌خدا(ص) به یکی از همسران خود درمیان می‌گذارد. او به همسر دیگری از آن حضـرت مـی‌گویـد و همـین مقدمه‌ای برای توطئه علیه آن حضرت می‌شود. ابتدا آن دو زن و برخی دیگـر از همسـران پیامبر(ص) و سپس برخی از افراد جامعه اسلامی را درگیر آن می‌کند. پیامبر(ص) ابتـدا آن دو زن را در صورت دست بر نداشتن از توطئه تهدید به طـلاق مـی‌کنـد. آن دو زن بـرای پیامبر(ص) شرط می‌گذارند در صورتی از اقدامات خود دست بر خواهند داشت کـه قسـم بخورند آن‌ها را طلاق ندهد. خداوند در این سوره راه شکستن قسم را به پیامبر(ص) بیـان می‌کند. آن دو زن را تهدید می‌کند که اگر از اقدامات خود علیه آن حضرت دست برندارند، خداوند آن حضرت را بالشکری از ملائکه و جبرئیل و صالح‌المـؤمنین یـاری خواهـدکرد. سپس جامعه اسلامی را به توبه حقیقی دعوت می‌نماید. پیرامون این کـه آن راز چـه بـوده سبب نزول‌های زیادی درکتاب‌های حدیثی و روایی آمده است کـه بـه چهـار دسـته کلـی تقسیم می‌شود. ۱- تحریم عسل ۲- تحریم ماریه ۳- خلافـت عمـر و ابـوبکر۴- داسـتان عدم قبول درخواست یک زن که خود را برای پیامبر(ص) هبه می‌کند. با بررسـی سـندی و مطابقت این احادیث با قرآن و سنت قطعی و عقل، به قابل استناد نبودن ایـن روایـات پـی می‌بریم. بعدازآن با بررسی قرآن به قرآن سیاق آیات سوره تحریم خطوط کلی سبب نـزول آن روشن خواهدشد. با مقایسه سیاق آیات سوره احزاب و سـوره تحـریم، حـدس بـراین است که این دو سوره نزدیک به هم نازل شده‌اند. با بررسی وقایع مهـم سـال نـزول سـوره احزاب می‌توانیم به واقعه‌ای برسیم که بتواند با توجه به سیاق سوره تحریم، به سـؤال‌هـای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

زیر پاسخ‌گو باشد. و در نتیجه آن را به عنوان سبب نزول سوره تحریم بپـذیریم. سـؤالاتی قابل طرح است از جمله:

۱- آیا آن سرقبلا برای پیامبر(ص) به عنوان راز بوده و درآن زمان افشـای آن بلامـانع است؟ آیا این شیوه عقلا نیست که چیزی که راز است را افشا نکنند؟

۲- آیا آن راز اقتضا می‌کند که رسول‌خدا(ص) ابتدا با همسرانش درمیان گذارد؟

۳- آیا بقیه همسران آن حضرت و جامعه اسلامی را تحت الشعاع قرار می‌دهد؟

۴- آیا این واقعه می‌تواند حسادت زنانه را برانگیزد؟

۱- روایات سبب نزول سوره تحریم

در منابع تفسیری و روایی سبب نزول سوره تحریم را به صورت گوناگون بیان می‌کنند. ما روایات سبب نزول سوره تحریم را به چهار دسته کلی تقسیم و به صورت جداگانه آن‌ها را بیان‌کرده و به نقد آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱. روایت عسل خوردن پیامبر(ص)

بخاری در صحیح خود پیرامون سبب نزول سوره تحریم چنین آورده‌است: «إبراهیم بن موسی أخبرنا هشام بن یوسف عن ابن جریح عن عطاء عن عبید بن عمیرعن عائشـة رضی الله عنها قالت کان رسول الله صلی الله علیه و سلم یشرب عسلا عن زینب ابنة جحـش ویمکـث عندها فواطأت انا و حفصـة عن أیتنا دخل علیها فلتقل له أکلت مغافیر انی أجـد منـک ریـح مغافیر قال لا ولکنی کنت اشرب عسلا عند زینب ابنة جحش فلن أعود لـه و قـد حلفـت لا تخبری بذلک أحدا».

بنابراین نقل، عایشه می‌گوید: رسول خدا(ص) نـزد زینـب بنـت جحـش شـربت عسـل می‌نوشید و توقف وی نزد او زیاد شده بود. من و حفصه با هم هماهنـگ کـردیم کـه هرگـاه پیامبر از خانه زینب نزد یکی از ما آمد، به او بگوییم: دهانت بوی مغافیر که گیاهی بدبوسـت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

می‌دهد تا دیگر برای خوردن عسل نزد زینب نرود. پیامبر(ص) با شنیدن این سخن، سوگند خورد که دیگر نزد زینب نرود و از عایشه خواست این مطلب را برای کسی بازگو نکند (بخاری، ۴۴/۷؛ سیوطی، درالمنثور، ۲۳۹/۶). این ماجرا در منابع دیگر با اندکی تفاوت در اشخاص، چنین نقل شده است:

الف: خوردن عسل در خانه‌ی سوده در غیر نوبتش و توطئه چینی عایشه وحفصه علیه او .

ب: خوردن عسل در خانهٔ حفصه و توطئه‌چینی عایشه، سوده و صفیه علیه حفصه.

ج: خوردن عسل در خانهٔ ام‌سلمه و توطئه‌چینی عایشه علیه ام‌سلمه (سیوطی، الدرالمنثور، ۲۳۹/۶)

۱-۲. روایت ماریه

دومین سبب نزول برای سوره تحریم چنین آمده است:

«روزی حفصه به خانه پدرش عمر رفت. رسول خدا(ص) وقتی خانه را از حفصه خالی دید، فرستاد کنیزش بیاید و با کنیزش در خانه حفصه بود. اتفاقا آن روز، روزی بود که باید رسول‌خدا(ص) به خانه عایشه می‌رفت. عایشه آن جناب را با کنیزش در خانه حفصه یافت. منتظر شد تا بیرون بیاید و سخت دچار غیرت شده بود. رسول‌خدا(ص) کنیزش را بیرون کرد و حفصه وارد خانه شد و گفت: من فهمیدم که چه کسی با تو بود، به خدا سوگند تو با من بدی می‌کنی. رسول‌خدا(ص) فرمود: به خدا سوگند راضی‌ات می‌کنم و من نزد تو سری را می‌سپارم ولی آن را حفظ کن. پرسید: آن سر چیست؟ فرمود: آن، این است که بخاطر رضایت تو، این کنیزم برمن حرام باشد و تو شاهد آن باش، حفصه چون این‌را شنید، نزد عایشه رفت و سر رسول‌خدا(ص) را نزد او فاش ساخت و مژده‌اش داد که رسول خدا(ص) کنیزش را بر خود حرام کرد. همین که حفصه این عمل خلاف را انجام داد، خدای تعالی پیامبر(ص) را بر آن واقف‌ساخت و در آخر فرمود: «**یا أَیُّهَا النَّبِیُّ لِمَ تُحَرِّمُ ما أَحَلَّ اللَّهُ لَک**». (سیوطی، الدرالمنثور، ۲۴۱/۶)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

دارقطنی این روایت را این‌چنین بیان می‌کند: «حدثنا حسین بن إسماعیل، حدثنا عبدالله بن شبیب، حدثنی إسحاق بن محمد، حدثنا عبدالله بن عمر، حدثنی أبوالنصر مولی عمر بن عبیدالله، عن علی بن الحسین، عن ابن عباس، عن عمرقال: دخل رسول الله صلی الله علیه و سلم بأم ولده مارية فی بیت حفصة، فوجدته حفصة معها فقالت له: تدخلها بیتی، ما صنعت بی هذا من بین نسائک إلا من هوانی علیک، فقال: لا تذکری هذا لعائشة، فهی علی حرام إن قربتها، قالت حفصة: و کیف تحرم علیک و هی جاریتک، فحلف لها لا یقربها، فقال النبی صلی الله علیه و سلم: لا تذکریه لأحد فذکرته لعائشة، فآلی لا یدخل علی نسائه شهرا، فاعتزلهن تسعا و عشرین لیلة، فأنزل الله «لِمَ تُحَرِّمُ ما أَحَلَّ اللَّهُ لَک» و الحدیث بطوله طویل.» (دارقطنی، ۷۵/۵)

طبق نظر برخی مفسران این قضیه برای خود عایشه پیش آمده بود. پیامبر (ص) بخاطر او ماریه را برخود حرام کرد. خداوند این آیه را نازل کرد که چرا برای رضایت زنان خود، ماریه را که کنیز حلال توست بر خود حرام کرده‌ای. (واحدی، ۴۶۰)

در تفسیر قمی آمده است که ابن سیار از امام صادق(ع) نقل می‌کند که حفصه و عایشه هر دو بر رسول‌خدا (ص) اعتراض کردند و پیامبر (ص) در پاسخ آنها گفت که دیگر به ماریه نزدیک نخواهم شد. (قمی، ۲۷۵/۶)

۱-۳. روایت خلافت ابوبکر و عمر

برخی منابع تاریخی و تفسیری ادامه‌ای برای روایت ماریه آورده‌اند، سرّی را که پیامبر(ص) به حفصه گفته بود، مربوط به مسأله خلافت بوده است. بدین‌گونه که پس از اعتراض حفصه: پیامبر(ص) به او می‌گوید از این به بعد ماریه را برخود حرام کرده‌ام و با او خلوت نخواهم کرد و در عین حال رازی پنهانی برای تو خواهم‌گفت که اگر آن را افشا کنی، لعنت خدا و فرشتگان و مردم برتوباد.حفصه گفت: یا رسول‌الله! آن راز پنهانی چیست؟ پیامبر(ص) فرمود: ابوبکر بعد از من خلافت را به دست خواهدگرفت و سپس بعد از او، پدرت عمر به خلافت خواهد رسید. حفصه گفت: یا رسول‌الله! چه‌کسی این خبر را به تو داده است؟ پیامبر(ص) فرمود: خداوند این خبر را به من داده است. حفصه موضوع راز

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

پنهانی را در همان روز به عایشه گفت و عایشه نیز آن را به پدرش ابوبکر گفت و ابوبکر هم آن را به عمر خبرداد. (سیوطی، الدارالمنثور، ۲۴۰/۶)

زمخشری در تفسیر سوره‌تحریم، پیرامون حکومت ابوبکر و عمر بیان می‌کندکه پیامبر(ص) به حفصه گفت: آیا نگفتم که این سخن را پوشیده بدار؟ حفصه در پاسخ گفت: سوگند به خدا نتوانستم خودرا در برابر این خبر خوش نگه دارم که خداوند چنین جایگاهی را به پدرم اختصاص داده است. (زمخشری، ۵۶۳/۴)

متاسفانه در برخی منابع شیعه مانند تفسیر قمی آمده است که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند رسول‌خدا (ص) را مسموم نمایند. (قمی، ۲۷۶/۶؛ مجلسی، ۲۳۹/۲۲)

۱-٤. روایت هبه

ابن‌ابی‌حاتم در تفسیر خود آورده‌است: «و بسند ضعیف عن ابن عباس قال: نزلت هذه الآیه: «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ لِمَ تُحَرِّمُ ما أَحَلَّ اللَّهُ لَک» فی المرأه التی وهبت نفسها للنبی (ص)» این روایت ماجرای زنی است که خودش را به پیامبر(ص) هبه کرد و آن حضرت نپذیرفت. (ابن‌ابی‌حاتم، ۳۳۶۲/۱۰)

۲- بررسی روایات سبب نزول سوره تحریم

در این قسمت به بررسی روایات سبب نزول سوره تحریم از نظر سندی، مطابقت با عقل و سنت قطعی و سیاق آیات خواهیم پرداخت:

۲-۱. بررسی سندی روایات سبب نزول

روایت اول را از جهت سندی بیش‌تر محدثان اهل‌سنت، دارای سندی صحیح دانسته‌اند. نووی به قول نسائی استنادکرده که این حدیث درست و بسیار عالی است. (نووی، ۷۷/۱۰). ابن عربی روایت خوردن عسل در خانه زینب را نسبت به دیگر روایات عسل ارجحیت داده است. اما سند روایت ماریه را قوی‌تر دانسته هرچند که در صحیح بخاری نیامده و به صورت مرسل آمده باشد. (ابن‌عربی، ۲۹۳/۴) البته ما آن را به صورت متصل و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

مسند از دارقطنی آورده‌ایم و منظور ابن‌عربی نقل‌های غیر از دارقطنی است. بررسی روات این حدیث نشان می‌دهد که راویان او، ثقه بوده‌اند. حسین‌بن‌اسماعیل را سمعانی ثقه و مورد اعتماد می‌داند. (سمعانی، ۲۵۷/۵) عبدالله‌بن شبیب گرچه ذهبی اورا ضعیف می‌داند (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۶۴/۱) ولی در نهایت به عالم بودن او اقرار می‌نماید. (ذهبی، سیراعلام‌النبلاء، ۲۲۸/۱) اسحاق‌بن محمد، ابن حبان اورا در دسته ثقات نام برده و ابوحاتم او را صدوق دانسته است. (مزّی، ۴۷۰-۴۷۳) عبدالله‌عمر را در چند روایت، بخاری او را رجل‌صالح دانسته است (بخاری۲۵/۵) مالک اورا ائمه مسلمین و شعبی جیدالحدیث می‌داندش. (ابن‌اثیر، ۲۳۸/۳) اما ابونصر را که ابن‌حجر وی را با نام (سالم‌بن‌أبی أمیمةالتمیمی أبوالنضرالمدنی مولی عمربن عبدالله التیمی) معرفی کرده، پیرامونش می‌گوید: «احمدبن حنبل و ابن‌سعد و نسائی و ابن‌معین وی را ثقه دانسته‌اند» (ابن‌حجر، تهذیب التهذیب، ۲۹۵/۴-۲۹۶). پیرامون روایت خلافت عمر و ابوبکر، نقل‌های این حدیث از نظر سند قابل اعتماد نیست. سیوطی در درالمنثور بیان می‌دارد که فقط طبرانی و ابن‌مردویه به سند ضعیف از ابی‌هریره نقل کرده‌اند. واحدی و ابن‌عربی در بین روایات شأن‌نزول‌های سوره تحریم سخنی از جریان خلافت ابوبکر و عمر به میان نمی‌آورند. (واحدی،۴۶۰؛ ابن عربی، ۲۹۳/۴)

روایت هبه را ابن عربی از جهت سند و معنا ضعیف دانسته و می‌گوید راویان آن ناعادل بوده و ردکردن درخواست آن زن کار حرامی نمی‌باشد. (ابن‌عربی، ۲۹۳/۴) سیوطی سند این روایت را ضعیف و از غرایب می‌داند (سیوطی، لباب النقول، ۲۰۰). البته باید این نکته را خاطرنشان کنیم که صرف داشتن سند صحیح برای روایات سبب نزول کافی نیست. باید با سیاق آیات، سنت قطعی و قوانین عقلی و منطقی نیز هماهنگ باشد.

۲-۲. بررسی روایات شأن نزول از نظر هماهنگی با عقل و سنت

هیچ یک از پنج نوع روایتی که در مورد سبب نزول سوره تحریم نقل شده است، با عقل و سنت قطعی مطابقت ندارد. پیرامون روایت اول می‌توان گفت که مخالف با عقل است، آن حضرت متوجه نشود که عسل بوی مغافیر نمی‌دهد و آن را بر خود حرام نکند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

مگر ایشان حس بویایی نداشتند که متوجه چنین مسأله‌ای نشوند و به سادگی گول حفصه و عایشه را بخورند و تحت تأثیر جوسازی آن دو قرار بگیرند (عسکری، ۸۶/۴-۸۷) آن حضرت به ادای حقوق همسرانش بسیار اهتمام داشته‌اند. روایت اول و دوم و سوم با سنت قطعی رسول‌خدا(ص) تعارض‌دارد که ایشان بخاطر رضایت دو نفر از همسرانش به همسر دیگرش ظلم کند و بگوید دیگر نزد آن نمی‌روم. پیرامون روایت خلافت ابوبکر و عمر باید گفت که هیچ‌یک از اهل سقیفه این را به عنوان شاهد نیاورده‌اند و تنها به قرشی بودن، خویشاوندی با رسول‌خدا (ص)، همراهی با آن حضرت در غار و بزرگی سن ابوبکر اشاره کرده‌اند. (طبری، تاریخ‌الامم والملوک، ۲۱۹/۳-۲۲۰) همچنین از رسول‌خدا(ص) که امین وحی الهی است، چگونه چنین عملی سرمی‌زند، رازی را که نباید افشا می‌شد به زبان آورد. نکته دیگر این است که با تاریخ قطعی و تعیین امام علی(ع) به عنوان جانشین، توسط رسول گرامی اسلام(ص) در تعارض است. روایت هبه نیز با عقل سازگار نیست زیرا رسول‌خدا(ص) در انتخاب و ازدواج با همسران خود مخیر بودند. دلیلی ندارد، بخاطر چنین مسأله‌ای که مربوط به زندگی شخصی آن حضرت است وحی نازل شود. نتیجه این است که هیچ‌کدام از روایات با عقل و سنت قطعی رسول‌خدا(ص) هماهنگ نیست و نمی‌توان آن‌ها را پذیرفت.

۲-۳. بررسی تطابق روایات سبب نزول با سیاق آیات

روایت عسل و ماریه با سیاق آیات از نظر این‌که تحریم عسل و ماریه نمی‌تواند آن‌قدر موضوع مهمی باشد که خداوند لشکر فرشتگان و حمایت صالح‌المؤمنین از آن حضرت را به صف کند، ناسازگاراست. (عسکری، ۹۳/۴) خداوند داستان همسران حضرت لوط(ع) و حضرت نوح(ع) را آورده است. آن زنان گناهی که انجام می‌دادند این بود که اسرار خانه خود را به نزد دشمنان می‌بردند و جاسوسی می‌کردند. در صورتی‌که خوردن عسل و تحریم ماریه هیچ شباهتی به آن ندارد. (مکارم شیرازی، ۳۰۱/۲۴). نکته دیگر این است که در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

اخبار مطرح شده در روایات سبب نزول ابتدا تحریم آمده است بعد به افشای سر اشاره دارد، در صورتی که طبق این آیه «**وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلى بَعْضِ أَزْواجِهِ حَديثاً فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَها بِهِ قالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هذا قالَ نَبَّأَنِيَ الْعَليمُ الْخَبيرُ**» (التحریم/۳) ابتدا افشای سر بوده بعد تحریم صورت گرفته است. (برزگر، ۹۴). روایت خلافت ابوبکر و عمر مشکل روایت اول و دوم را ندارد. افشای چنین رازی می‌توانست معادلات حکومت اسلامی را بر هم بزند اما مشخص نشده منظور از عرّف بعضه و أعرض عن بعض چیست؟ از این‌رو نمی‌توان به عنوان سبب نزول قلمداد کرد. (سلمان‌زاده، ۱۱۲) روایت هبه که با تمام سیاق آیات مخالفت دارد با مثنی آمدن تظاهرا، لشکریان فرشته و صالح المؤمنین و زنان لوط و نوح ناسازگار است نتیجه این که هیچ‌کدام از روایات نمی‌تواند تطابق کامل با سیاق آیات داشته باشند و مفهوم دقیق آیات را روشن کند.

۲-٤. اضطراب متن و تعارض‌های درونی روایات

با نظر در روایات سبب نزول سوره تحریم اضطراب متن و تعارض روایات با یکدیگر مشخص می‌شود. این روایات حداقل در شش مورد با یکدیگر تعارض دارند (برزگر، ۹۱)

۱- این اخبار در حلالی که رسول‌خدا (ص) برخود حرام‌کرد اتفاق نظر ندارد، گاهی همبسترشدن با ماریه می‌داند، گاهی خوردن شربت عسل.

۲- اخباری که ماجرا را خوردن عسل می‌دانند، مشخص نیست در خانه کدام یک از همسران آن حضرت اتفاق افتاده است. برخی سوده، عده‌ای ام‌سلمه و در نهایت حفصه می‌دانند. (سیوطی، الدرالمنثور، ۲۳۹/۶)

۳- این اخبار گاهی حفصه را هم‌دست عایشه علیه همسر دیگر پیامبر(ص) دانسته و گاهی همسران دیگر رسول‌خدا(ص) را هم‌دست عایشه علیه حفصه می‌داند. (سیوطی، الدرالمنثور، ۲۳۹/۶)

۴- در ماجرای تحریم ماریه، گاه افشاکننده سر را حفصه می‌داند و گاهی عایشه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

(سیوطی، الدرالمنثور، ۲۴۱/۶)

۵- این اخبار گاه سر را تحریم ماریه، گاه خلافت عمر و ابوبکر و یا هردوی آن می‌داند. (سیوطی، الدرالمنثور، ۲۳۹/۶-۲۴۱)

۶- اخباری که سرّ را خلافت ابوبکر و عمر می‌داند گاه آن دو را شایسته خلافت می‌داند (سیوطی، دارالمنثور، ۲۴۰/۶) و گاه خلافت آن‌دو را غاصبانه اعلام می‌کند. (مجلسی، ۲۳۹/۲۲)

۳- روایت ابن عباس

در کتب مشهوری همچون صحیح بخاری و مسلم از ابن‌عباس این چنین روایت شده است که گفت: من همواره حریص بودم از عمر جریان دو نفر از همسران رسول خدا(ص) را که آیه «**إِنْ تَتُوبا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُما**» درباره آنان نازل شده بپرسم. تا آن که سالی عمر به حج رفت، من نیز با او حج کردم. در بین راه از عمر پرسیدم: ای امیرالمؤمنین! آن دوزن از زنان رسول‌خدا(ص) که خدای تعالی درباره‌شان فرمود: «**إِنْ تَتُوبا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُما**» کیانند؟ گفت: این از تو عیب است ای ابن‌عباس! آن دو زن عایشه و حفصه بودند. آن‌گاه شروع کرد جریان‌شان را برایم نقل کرد. این روایت بسیار مفصل است و خلاصه‌اش چنین است که پیامبر (ص) بخاطر رفتار نادرست این دو نفر، مدتی از همه زنانش کناره‌گیری کرد. (بخاری، ۱۵۶/۶-۱۵۸؛ مسلم، ۱۱۰۸/۲، نووی، ۷۷/۱۰). این روایت گرچه در مورد سوره تحریم آمده است، اما نمی‌توان آن‌را در ردیف سبب نزول بیان کرد، زیرا تنها مصداق آن دو زن را بیان می‌کند. لذا به صورت جداگانه آورده شده است.

٤- بررسی خطوط کلی آیات سوره تحریم

طبق آن‌چه گفتیم با بررسی روایات سبب نزول پی به غیرقابل استناد بودن آن‌ها می‌بریم. برای رسیدن به سبب نزول حقیقی سوره تحریم، ابتدا طبق تفسیر قرآن به قرآن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

می‌توان به خطوط‌کلی سبب نزول سوره دست یافت. بررسی تعابیر و جزئیات ارائه‌شده در آیات قرآن و سیاق سوره در ترسیم سبب‌نزول سوره اهمیت فراوانی دارد. (نفیسی، ۱۶۶). وقایع مربوط به سوره دو محور اصلی دارد: واقعه افشای سر و ماجرای تحریم حلال. ماجرای تحریم به سبب فعل مضارع آن (تُحرّم) باید بعد از ماجرای افشای سرّ که از آن با ظرف زمان گذشته (إذ) و فعل ماضی یاد می‌شود (وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِی)، اتفاق افتاده باشد. لذا بنابر آیه سوم، ماجرای سوره از آن آغاز می‌شود که پیامبراکرم(ص) سرّی را به یکی از همسرانش مطرح کرده و آن زن نیز آن راز را افشا می‌کند: «**وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِیُّ إِلی بَعْضِ أَزْواجِهِ حَدیثاً فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَیْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَها بِه**». در ادامه خداوند، پیامبرش را از این ماجرا باخبرکرده و ایشان نیز برخی از زوایای ماجرا را بازگو می‌کند. «**فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَیْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ**». از ضمایر مثنای آیه چهارم؛ مانند: «تَتُوبا»، «قُلوبُکما» و «تظاهرا» و این‌که در آیه اول و پنجم سوره سخن از زنان پیامبر(ص) مطرح است، به دست می‌آید که آن زن، راز را برای یکی دیگر از همسران پیامبراکرم (ص) فاش‌کرده و این کار نیز مقدمه‌ای برای توطئه علیه پیامبر(ص) بوده است: «وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَیْه». البته با توجه به ضمایر جمع مؤنث موجود در آیه یک و پنج، مشخص می‌شود که همسران دیگری علاوه‌بر این دو نفر نیز یا به گونه‌ای در این ماجرا شرکت داشته‌اند یا لااقل خطر افتادن در این ورطه را داشته‌اند که در آیه پنج، ایشان را نیز به طلاق تهدید می‌کند: «**عَسی رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَکُن**». طبعا یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیامبراکرم(ص) برای مقابله با توطئه این زنان، طلاق ایشان بوده است؛ زیرا همسر پیامبر بودن برای آن‌ها یک جایگاه اجتماعی مهم محسوب شده و از این‌رو طلاق برای زنان پیامبر(ص) تبعات اجتماعی مهمی داشته است. از آیه پنجم سوره که بعد از عتاب شدید آیه چهارم، از احتمال طلاق همسران پرده بر می‌دارد. در حمایت از پیامبراکرم(ص) ایشان را وعده به همسرانی مسلم، مؤمن و فرمان‌بردار در صورت طلاق همسران فعلی‌اش می‌دهد، به دست می‌آید که چنین گزینه‌ای از سوی پیامبر(ص) برای رفع توطئه مطرح بوده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

در خبر ابن‌عباس قرینه‌ای برای این بحث وجود دارد؛ زیرا در این اخبار آمده است که پیامبر اکرم(ص) بعد از نزول سوره، زن افشا کننده راز را طلاق و حدود یک ماه از بقیه زنانش فاصله گرفت، به طوری که شایعه تصمیم آن حضرت درباره طلاق آن‌ها منتشر شد و ایشان سخت به وحشت افتادند. (بخاری، ۱۵۶/۶–۱۵۸؛ سیوطی، الدرالمنثور ۲۴۲/۶–۲۴۳) با این بیان مشخص می‌شود که حلال مورد نظر در آیه یک، چنان‌که برخی مفسران نیز بیان کرده‌اند (بلاغی، ۴۶/۷) امر طلاق همسران بوده است. تصریح این آیه با عبارت «**ما أَحَلَّ اللَّهُ لَک**» علاوه بر تأکید بر حلال بودن این امر، قرینه‌ای است براین‌که امر حلال مورد نظر، امری مانند طلاق بوده که کاملا جنبه شخصی دارد؛ زیرا در صورتی که حلال مورد نظر امری عمومی بود، باید با تعبیر «**ما أَحَلَّ اللَّهُ لَکم**» از آن یاد می‌شد، چنان‌که در آیه دوم از امر گشودن سوگند با این تعبیر یاد می‌کند «**قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَکُمْ تَحِلَّةَ أَیْمانِکُم**».

از آیه دوم سوره به دست می‌آید که پیامبر(ص) این حلال را با سوگند بر خود حرام کرده است: «**قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَکُمْ تَحِلَّةَ أَیْمانِکُم**». علتی که آیه اول برای این تحریم بیان می‌کند، رضایت همسران است: «**تَبْتَغی مَرْضاتَ أَزْواجِک**». با این مطلب، یک سوال کلیدی برای فهم ماجرای مورد نظر سوره نمایان می‌شود و آن این‌که چرا باوجود توطئه این همسران، پیامبر اکرم(ص) به جای این‌که ایشان را طلاق دهد، برای کسب رضایتشان، طلاقشان را برخود حرام کرد؟! پاسخ این سؤال نیز با دقت در آیه چهارم روشن می‌شود. این آیه به دو فرض (۱. توبه زنان از توطئه انجام گرفته؛ ۲. تظاهر و ادامه توطئه)، پاسخ بسیار شدیداللحن داده است: «**إِنْ تَتُوبا إِلَی اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُکُما وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَیْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْریلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنینَ وَ الْمَلائِکَةُ بَعْدَ ذلِکَ ظَهیر**». این مشخص می‌کند که ایشان همین دو حالت را پیش روی آن‌حضرت قرار داده‌اند؛ یعنی پیامبر(ص) را در صورت طلاق، تهدید به ادامه توطئه کرده‌اند و توبه خود را منوط به تحریم طلاق دانسته‌اند. لذا پیامبراکرم (ص) از روی بزرگواری و جهت دادن فرصتی دوباره و برای حفظ مصلحت جامعه اسلامی با سوگند، این حلال الهی را برخود حرام کردند تا شاید رضایت ایشان را به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

دست آورده و از ادامه توطئه بازدارند. با این بیان روشن می‌شود که چرا وحی الهی ابتدا در آیه چهارم سوره رو به آن دو زن کرده و با قاطعیت به شروطی که برای پیامبراکرم(ص) تعیین کرده‌بودند، پاسخ می‌دهد؛ بدین شرح: اگرشما دوتن توبه کنید، نه تنها هیچ منتی بر پیامبراکرم(ص) ندارید و وعده‌ای هم به شما در آمرزش گناه عظیمتان نمی‌دهم، بلکه باید بدانید که راهی جز توبه ندارید که قطعا قلوب شما منحرف شده است: «**إِنْ تَتُوبا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُما**»؛ اما اگر بخواهید توبه نکرده و علیه پیامبر(ص) تبانی‌کنید، بدانید که من مولای او هستم و جبرئیل، صالح مؤمنان و همه ملائکه پشتیبان او هستند: «**وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْريلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنينَ وَ الْمَلائِكَةُ بَعْدَ ذلِكَ ظَهيرٌ**» از این‌رو، کارتان به جایی نخواهد رسید و آنگاه در آیه پنجم، به مسأله طلاق ایشان پرداخته و می‌فرماید: اما بدانید اگر پیامبراکرم(ص) تصمیم به طلاق شما بگیرد، نه تنها آسیبی متوجه او نخواهد شد بلکه من که پروردگار او هستم، ازواجی بهتراز شما نصیبش خواهم‌کرد: «**عَسى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْواجاً خَيْراً مِنْكُنَّ**» با توجه به آنچه آمد، سیر داستان سوره را می‌توان چنین بیان کرد: پیامبر اکرم(ص) مطلبی را به صورت سر به یکی از همسران خود بیان می‌کند: «**وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلى بَعْضِ أَزْواجِه**» آن زن سر را به یکی دیگر از همسران پیامبر(ص) افشاکرده «**فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِه**» و مقدمات توطئه‌ای علیه پیامبر(ص) را فراهم و در این راستا اقداماتی را آغاز می‌کنند. خداوند پیامبراکرم(ص) را بر تمام کارهای ایشان آگاه کرده «**أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْه**» و ایشان از یک‌سو گوشه‌ای از ماجرا را بیان می‌کند: «**عَرَّفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ**» و از دیگر سو، تصمیم به طلاق همسران خویش برای دفع ریشه فتنه می‌گیرد. آن دو زن، پیامبراکرم(ص) را تحت فشار قرارداده و توبه خود را از این کار منوط به سوگند خوردن پیامبراکرم(ص) مبنی بر حرام کردن طلاق ایشان بر خود کرده. آن حضرت را در صورت نپذیرفتن این پیشنهاد، تهدید به ادامه تبانی و تظاهر می‌کنند. پیامبر(ص) از روی کمال بزرگواری و برای مصلحت امت پیشنهاد ایشان را می‌پذیرد.

در این هنگام سوره نازل شده و وحی الهی به مدد پیامبراکرم(ص) آمده و همه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

نقشه‌های ایشان را نقش بر آب می‌کند. خداوند ابتدا پیامبر (ص) را به شکستن سوگند خود دعوت کرده (آیه اول و دوم)آن‌گاه به مؤمنان روکرده و ایشان را از توطئه این دو زن باخبر می‌کند(آیه سوم). وحی الهی سپس رو به آن دو زن کرده و با قاطعیت به شروطی که برای پیامبر(ص) تعیین کرده بودند، پاسخ داده (آیه چهارم) و آنگاه ایشان را تهدید به طلاق کرده و وعده همسرانی مؤمن و فرمان‌بردار به پیامبر(ص) می‌دهد. (آیه پنجم)

در ضمن آنچه درباره سرّ از آیه می‌توان فهمید این است که این سرّ قطعا امرمهمی بوده که آن دوزن با افشای آن، توانسته‌اند دست به اقدامی علیه پیامبر(ص) بزنند. اما این‌که به طورخاص آن سر چه بوده سوره درباره آن ساکت است. (برزگر، ۹۵-۹۹) مرحوم شیخ مفید در پاسخ به این سؤال که سرّ در این سوره چه بوده، چنین پاسخ می‌دهد: این که آن سر چه بوده از تکلیف ما ساقط است؛ زیرا قرآن گویای آن است که آن مطلب، سرّ پیامبراکرم(ص) با همسرانش بوده است و وحی الهی بیان نکرده که آن سرّ بعد از این جریانات، شایع شده است. پس از آن از امام صادق(ع) آورده است که آن سر خلافت امام علی (ع) می‌باشد که پیامبر (ص) به عایشه درمیان‌گذاشت و به او گفت که به عنوان راز نزد خود نگهدار اما او نتوانست آن را حفظ کند. (مفید، المسائل‌العکبریة، ۷۷). این سخن شیخ مفید را نمی‌توانیم بپذیریم زیرا سیاق آیات نشان می‌دهد که این سر آشکار شد. خداوند جامعه اسلامی را از افتادن به انحراف هشدار می‌دهد و راه توبه را در صورت انحراف برای آنان باز می‌گذارد. «**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَةُ عَلَيْها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعْصُونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ (۶)يا أَيُّهَا الَّذينَ كَفَرُوا لا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّما تُجْزَوْنَ ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷)يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ يَوْمَ لا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعى بَيْنَ أَيْديهِمْ وَ بِأَيْمانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنا أَتْمِمْ لَنا نُورَنا وَ اغْفِرْ لَنا إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ (۸)يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصيرُ (۹)**» اما در مورد خلافت امام علی(ع) با

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

موازین عقلی سازگار نیست که آن حضرت چنین ناشیانه عمل کند و این مطلب را به عایشه بگوید، عایشه‌ای که بعد آن حضرت پدرش به حکومت می‌رسد و اختلاف شدیدی با امام علی (ع) دارد. (برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به کتاب الجمل شیخ مفید). آن سرّ هرچه هست مطلب مهمی است که افشای آن جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما نمی‌تواند در حد جانشینی امام علی(ع) بوده باشد. از آیه ششم این سوره به دست می‌آید که این سرّ و افشای آن امکان داشت که مؤمنین و خانواده‌های آنان به دام آن بیفتند (میرباقری، ۱۸۷–۱۸۸) و آیه هشتم نشان می‌دهد که به دچار انحراف شده‌اند و باید توبه کنند، آن‌هم توبه نصوح. پس باید آن راز چیزی باشد که اولا اقتضا کند رسول خدا (ص) ابتدا به همسر خود بگوید و برخی از زنان آن حضرت از آن سوء استفاده کرده باشند، دوماً پس از افشای آن سرّ در جامعه، مؤمنین را در یک امتحان قرار دهد.

۵- بررسی سوره احزاب

سوره احزاب آیات ۶ تا ۲۳ آن به بررسی جنگ احزاب، آیات ۲۸ تا ۳۴ هشدار و عتاب به همسران پیامبر(ص) و آیه ۳۵ و ۳۶ خطاب به جامعه اسلامی و موضوع ازدواج پیامبر(ص) پرداخته است. از آن جهت که در این سوره همچون سوره تحریم با لحن شدیدی همسران رسول‌خدا(ص) مورد عتاب قرار گرفته‌اند و وقایع مهم جنگ احزاب و ازدواج پیامبر(ص) با زینب‌بنت جحش بیان شده است، حدس ما بر این است که بررسی سیاق آن ما را به سبب نزول سوره تحریم نزدیک کند. لذا سیاق آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۵-۱. گونه‌های رفتاری مسلمانان در غزوه خندق

جنگ‌ها معیار خوبی برای آزمودن انسان‌هاست و افراد در شرایط سخت و بحرانی شخصیت حقیقی خود را نشان می‌دهند. در سوره احزاب هفده آیه به جنگ خندق اختصاص یافته که در آن دسته‌بندی دقیقی از رفتار مسلمانان در میزان همراهی با پیامبر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

اکرم (ص) نشان داده شده است، در این گونه شناسی مسلمانان به شش گونه رفتاری دسته‌بندی شده‌اند که به صورت زیر است:

۱- مؤمنان «وَ لَمَّا رَأَ الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزابَ قالُوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ما زادَهُمْ إِلاَّ إِيماناً وَ تَسْلِيماً» (الاحزاب/۲۲)

۲- بهانه جویان «وَ إِذْ قالَتْ طائِفَةٌ مِنْهُمْ يا أَهْلَ يَثْرِبَ لا مُقامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنا عَوْرَةٌ وَ ما هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلاَّ فِراراً» (الاحزاب/۱۳)

۳- معوقین (بازدارندگان) «قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَ الْقائِلِينَ لِإِخْوانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنا وَ لا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلاَّ قَلِيلاً» (الاحزاب/۱۸)

۴- مرجفون (شایعه‌سازان) «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لا يُجاوِرُونَكَ فِيها إِلاَّ قَلِيلاً» (الاحزاب/۶۰)

۵- بیماردلان «وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلاَّ غُرُوراً» (الاحزاب/۱۲)

۶- منافقان که در آیه قبل به آن اشاره شده است. (بختیاری، ۵۱)

با توجه به آنچه در کتاب‌های تاریخی و قرآن‌کریم آمده است، می‌توان رفتار مسلمانان را بر اساس همراهی با پیامبر اکرم(ص) در غزوه خندق در دو بعد رفتار گفتاری و رفتار عملی به صورت زیر دسته‌بندی کرد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

جدول شماره۱: شاخص‌های تحدید و تحصیر سنخ‌های مسلمانان در غزوه خندق. (بختیاری، ۵۵)

گونه‌های رفتاری	رفتار گفتاری	رفتار عملی
مؤمنان	اذعان به صدق وعده‌های خدا، اطاعت از دستورات پیامبر(ص)، یادآوری بیعت و تعهدخود با پیامبر(ص)، تمسخر کاهلان، آمادگی دفاعی با تکبیرهای مکرر	مشارکت دلسوزانه درحفرخندق، استقامت در شرایط بحرانی، تحمل سختی‌ها، مسئولیت پذیری، پاسداری از پیامبر(ص)و انسجام فرامین ایشان.
بهانه‌جویان	بهانه تراشی، کسب اجازه از پیامبر(ص) برای ترک عرصه جنگ، ارائه دلایل واهی برای معافیت از جهاد	همراهی در شرایط آرام و منفعت‌جویانه، ترک همذاهی در شرایط بحرانی، احساس ناامنی و خطرجانی، ترک صحنه نبرد.
معوقین (بازدارندگان)	بازداشتن مسلمانان از همراهی با پیامبر (ص)، زبان تند وتیز، توجیه رفتار خود	حضور اندک در عرصه جنگ، تنگ‌نظری نسبت به مسلملنان، حرص برغنیمت، اشتیاق به رفتن از مدینه در شرایط بحرانی، کارشکنی، ترک مسئولیت
فی قلوبهم مرض (بیماردلان)	فریب خواندن وعده‌های الهی و سوءظن به آنها	شک و تردید در همراهی، ترک عرصه نبرد در شرایط دشوار بدون اجازه پیامبر(ص)
مرجفون (شایه سازان)	بیان سخنان بی‌پایه و اساس، فتنه انگیزی، اشاعه باطل، شایعه‌سازی	ایجاد ناامنی و نگرانی در بین مردم، متشنج کردم وضعیت جامعه
منافقان	بیان ضعف مسلمانان، بزرگ‌نمایی قدرت دشمن، سوءظن به خدا و رسول، تمسخر سخنان و وعدهای پیامبر (ص).	طفره رفتن از انجام کار و مسئولیت محوله، ترک صحنه نبرد بدون اجازه پیامبر(ص)، فرار از عرصه جنگ.

علامه سیدجعفر مرتضی عاملی تحلیل خوبی از حالت روحی سپاه دشمن و مسلمانان در جنگ خندق دارند. ایشان در سیره خود آورده‌اند که سپاه دشمن احساس برتری داشت و مطمئن بودند که پیروز میدان هستند. سپس به سخن ابن‌شهرآشوب استناد می‌کند که می‌گوید: «کان‌الکفار علی الخمر و الغناء و المدد و الشوکة» (ابن‌شهرآشوب، ۱۹۸/۱؛ عاملی، ۷/۱۱). حالات مردم مدینه را به سه دسته کلی عامه مردم، اهل ایمان و منافقان تقسیم کرده‌اند. به صورت جداگانه و مفصل آورده می‌شود.

الف: عامه مردم: حالت روحی عامه مردم ترس و وحشت از پیروزی دشمن بود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

مخصوصا هنگامی که محاصره مسلمانان توسط دشمن افزایش می‌یافت. این‌ها مسلمانانی بودند که هنوز ایمان در قلب و جانشان مستحکم نشده بود. (عاملی، ۸/۱۱-۹) قرآن کریم ترس و وحشت این گروه را چنین توصیف می‌کند: «**وَ إِذْ زاغَتِ الْأَبْصارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَناجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا**» (**الاحزاب/ ۱۰**)

ب: اهل ایمان: این گروه بدون هیچ شک و تردیدی، مطمئن به یاری خداوند به پیروزی آن‌ها بردشمن بودند. (عاملی، ۹/۱۱). قرآن‌کریم در وصفشان می‌فرماید: «**وَ لَمَّا رَأَ الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزابَ قالُوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ما زادَهُمْ إِلاَّ إِيماناً وَ تَسْلِيماً**» (الاحزاب/۲۲). از بارزتربن اشخاص این گروه را می‌توان به امام‌علی(ع) اشاره کرد. به دلیل ایمان و اخلاصی که داشتند، پیامبر(ص) ضربت ایشان در جنگ خندق برتر از عبادت جن وانس تا روز قیامت دانستند. علامه سیدجعفر مرتضی بخشی را به نام (ضربة علی (ع) یوم‌الخندق تعادل عبادة الثقلین) آورده است. داستان را به خوبی شرح داده و به شبهات پیرامون آن پاسخ داده‌است. (عاملی، ۱۱۱/۱۱).

ج: **منافقان:** این گروه در قدرت مسلمانان در مواجهه‌ی با دشمن شک می‌انداختند. از همان ابتدای حفر خندق نفاق خودرا نشان دادند. شایعات این گروه در مردم عامه اثر می‌کرد. (عاملی، ۱۰/۱۱-۱۱). قرآن‌کریم می‌گوید: «**وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلاَّ غُرُوراً**» (**الاحزاب/۱۲**). ابن‌عباس می‌گوید موقعی که محاصره بیشترشد، ترس از یهود نیز شدت گرفت. سخن منافقان باعث شد که تعداد کمی در اطراف رسول‌خدا(ص) بمانند. (عاملی،۱۵/۱۱). در برخی نقل‌ها آمده است که فقط سیصد نفر با پیامبر(ص) ماندند. (عاملی،۱۹/۱۱). برخی از منافقان می‌گفتند آنچه محمد(ص) وعده داده بود، کلا باطل است. گروهی می‌گفتند خانه‌هایمان خالی است می ترسیم یهود به آن دست پیدا کند. (عاملی،۱۵/۱۱).

۵-۲. بررسی آیات ۲۸-۳۵ سوره احزاب پیرامون همسران رسول خدا(ص)

از آن‌جا که آیات ابتدایی سوره تحریم و ۲۸تا۳۵ سوره احزاب خطاب به همسران رسول‌خدا(ص) نازل شده است. بررسی آن‌ها نیز می‌تواند در شناخت سبب نزول سوره

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

تحریم کمک کند. در سوره احزاب ابتدا این به نظر می‌رسد کـه همسـران رسـول‌خـدا(ص) بخاطر مسائل دنیوی از آن حضرت شکایت داشته و ایشان را تحت فشار قرارداده. خداوند می‌گوید اگر دنیا را می‌خواهند بگو بیایند آن‌ها را طـلاق بـده و آزاد کـن، تـا متـاع دنیـا نصیبشان شود. «**یا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِأَزْواجِکَ إِنْ کُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَیـاةَ الـدُّنْیا وَ زِینَتَهـا فَتَعـالَیْنَ أُمَتِّعْکُنَّ وَ أُسَرِّحْکُنَّ سَراحاً جَمـیلاً**» (الاحزاب/ ۲۸). تتمیع به معنا مالی است که وقتی یکـی از ایشان را طلاق می‌دهد مالی به او می‌دهد تا با آن زندگی کند. تسریح به معنـای رهـا و آزاد کردن، سراح جمیل به این معناست که بدون مشاجره و نزاع، طلاق دهد. آیه بعد دقیقـا مخالف این آیه است، اشاره دارد اگر به جای دنیا، اطاعت از خدا و پیـامبرش و آخـرت را اختیار کردید، قطعا برای نیکان شما پاداشی عظیم است. «**وَ إِنْ کُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رَسُـولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِناتِ مِنْکُنَّ أَجْراً عَظِیمـاً**» (**الاحـزاب/۲۹**). در دو آیـه بعـد اشاره دارد هریک از همسران پیامبر(ص) گنـاهی آشـکار انجـام دهـد (**مَـنْ یَـأْتِ مِـنْکُنَّ بِفـاحِشَةٍ**). منظور گناهی است که آشکار و بسیار زشت باشد مثل آزردن رسول‌خـدا(ص)، غیبت و تهمت، او به سبب این که همسر رسول‌خداست سه برابر عذاب می‌شـود «**یُضـاعَفْ لَهَا الْعَذابُ ضِعْفَیْنِ**». در آیه بعد بیان می‌دارد هرکس از شما مداومت بر خضوع و اطاعت از رسول‌خدا(ص) داشته باشد، دو برابر پاداش می‌دهیم. «**وَ مَنْ یَقْنُتْ مِـنْکُنَّ لِلَّـهِ وَ رَسُـولِهِ وَ تَعْمَلْ صالِحاً نُؤْتِها أَجْرَها مَرَّتَیْنِ وَ أَعْتَدْنا لَها رِزْقاً کَرِیماً**» (**الاحزاب/۳۱**). قنوت به معنـای مداومت بر خضوع و اطاعت است. آیه بعد برابری همسران رسول‌خدا(ص) را با بقیه زنـان به شرط تقوا پیشه کردن، نفی کرده «**یا نِساءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ إِنِ اتَّقَیْتُن**». سـپس آن‌ها را به این امر می‌کند که نازک و لطیف در برابر نـامحرم صـحبت نکننـد. نظـر علامـه طباطبایی این است، خضوع در قول به معنای این است که آهنگ کـلام را نـازک و لطیـف نکنید. (طباطبایی، ۳۰۵/۱۶-۳۰۹)، اما نکته این است که اگر منظور سوء استفاده شخصـی تنها بود، شامل همه زنان جامعه می‌شد، اما این‌جا منظور این است که طوری سخن نگویید که در اجتماع از موقعیت شما سوء استفاده شود. (ایزدی، ۲۵۱) این تفسیر با سـیاق آیـات

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

سوره احزاب و قرآن کریم هماهنگی بیشتری دارد. ما در آیه ۱۲ سوره احزاب داریم که «الذین فی قلوبهم مرض، بیماردلان» را درکنار منافقین آورده است و همان‌طور که قبلا در تشریح آیات ابتدایی که مربوط به جنگ احزاب است آوردیم. این‌ها گروهی بودند که به وعده‌های خداوند و پیامبر(ص) اعتقاد نداشتند و شک و تردید در دل مردم ایجاد می‌کردند. در سوره بقره در وصف منافقان داریم که خداوند می‌فرماید «**فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَهُمُ اللَّهُ مَرَضا**» (**البقره/۱۰**). تفسیری که با آیات قرآن هماهنگ است این است که خداوند به همسران پیامبر(ص) هشدار می‌دهد که در اجتماع طوری سخن نگویید که بیماردلان از سخنان شما، علیه رسول‌خدا(ص) سوء استفاده کنند. آیه بعد به زنان پیامبر(ص) دستور می‌دهد که در خانه بمانند و در برابر مردم ظاهر نشوند. «**وَ قَرْنَ فی بُیُوتِکُنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّة**» (الاحزاب/۳۳) قرَنَ به معنای پابرجا شدن و کنایه از ثابت ماندن در خانه است. تَبَرَّجَ یعنی ظاهر شدن در برابر مردم. (طباطبایی، ۳۰۹/۱۶). همان‌طور که پیرامون آیه قبل گفتیم طبق سیاق آیات مسئله شخصی نسیت وگرنه متوجه تمام زنان مسلمان می‌شد. با توجه به وقایع سال پنجم هجرت، وقوع جنگ احزاب و ازدواج پیامبر(ص) با زینب‌بنت جحش در این سال (طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۵۶۲/۲-۵۶۵)، اتفاقات مهمی است که مسلمانان را در یک امتحان اجتماعی قرار داده. خداوند به همسران رسول‌خدا(ص) هشدار می‌دهد که در خانه‌های خود بمانند، نماز و زکات بپردازند، خدا و رسولش را اطاعت کنند، خود را از افتادن در فتنه حفظ کنند و سخنی نگویند که از آن علیه پیامبر(ص) سوء استفاده کنند. پیرامون این قسمت از آیه «**إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً**» (الاحزاب/۳۳) باید گفت که شأن نزول قطعی آن پیرامون پنج تن آل‌عبا (ع) است. متن آن نشان می‌دهد که استقلال در نزول دارد و نمی‌توان آن را به همسران پیامبر(ص) نسبت داد. (بابایی،۴۰؛ طباطبایی ۳۱۰/۱۶-۳۱۲). درآیه بعد اشاره دارد که شما زنان رسول خداوند(ص) وظیفه دارید تا آنچه از آیات الهی و حکمت در خانه‌هایتان خوانده می‌شود حفظ کنید و به خاطر داشته

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

باشید. «وَ اذْکُرْنَ ما یُتْلی فی بُیُوتِکُنَّ مِنْ آیاتِ اللَّـهِ وَ الْحِکْمَةِ إِنَّ اللَّـهَ کـانَ لَطیفـاً خَبیـراً» (الاحزاب/۳۴). ذکر معنای مقابل فراموشی و به معنای یادآوری است و به معنای تأکیـد و تشدید، سفارشی بعد از سفارشی است. به زنان پیامبر(ص) وصیت می‌کند که ایـن آیـات را فراموش نکنند، به خاطر داشته باشند و به آن عمل کنند. (طباطبایی، ۳۱۳/۱۶). در آیه بعد ویژگی زنان و مردان مؤمن را نام برده و در نهایت خداوند پاداش بزرگ و مغفرت را بـرای آنان در نظر گرفته است.

۵-۳- بررسی آیه۳۶ و ۳۷ سوره احزاب

این آیات از این حیث که پیرامون ازدواج پیامبر(ص) بـا زینـب بنـت جحـش اسـت و واقعه‌ای بوده که مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌داده بسیار مهم است. در آیه اول خداونـد امر می‌کند که هر آن‌چه خدا و رسولش به عنوان شریعت می‌آورند برای آنان بهتـر اسـت و هرکس مخالفت خدا و رسولش کند در گمراهی آشکاری افتاده است. «وَ ما کانَ لِمُـؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَةٍ إِذا قَضَی اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْراً أَنْ یَکُونَ لَهُمُ الْخِیَرَةُ مِنْ أَمْـرِهِمْ وَ مَـنْ یَعْـصِ اللَّـهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً مُبیناً» (الاحزاب/۳۶). علامه طباطبایی کلمه قضا را قضای تشریعی و قانون‌گذاری می‌داند نه قضای تکوینی(طباطبایی، ۳۲۱/۱۶) زیرا قضـای تکـوینی قابـل مخالفت و نافرمانی نیست. این آیه مسلمانان را آماده می‌کند برای پذیرش یک امـر بـزرگ که در آیه بعد به آن پرداخته است. آیه ۳۷ به ماجرای ازدواج پیـامبر(ص) بـا زینـب بنـت جحش پرداخته است. در مورد روایات سبب نزول این آیه دو دیدگاه کلی موجود است.

دیدگاه اول

برخی مفسران و محدثان اهل سنت بـا دسـت‌آویـز قـرار دادن احادیـث مشـکوک یـا مجعولی که در این زمینه ساخته و پرداخته شده است، معتقدند که پیامبر(ص) بعد از ازدواج زید با زینب، با دیدن زینب عاشق و دلباخته او شده، منتظر و علاقه‌منـد بـود تـا زیـد اورا

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

طلاق دهد تا بتواند با او ازدواج نماید. لذا پیامبر(ص) همین عشق و تعلق باطنی بـه زینـب را مخفی نگه می‌داشت چون می‌ترسید مردم بخاطر این عشق پنهانی او را سـرزنش کننـد. (طبری، جامع‌البیان، ۵۶۲/۲؛ قمی، ۱۹۴/۲؛ آلوسی، ۲۰۴/۱۱)

دیدگاه دوم

این دیدگاه با الهام از روایات اهل‌بیت (ع) به دست آمده و غالبا در تفاسیر امامیه وجود دارد (در تفاسیر اهل سنت به عنوان یک تفسیر فرعی گزارش شـده اسـت) بـدین صـورت است که؛ پیامبر(ص) از طریق وحی آگاه شده بود که بخـاطر بـرهم زدن قـانونی جـاهلی، زینب به زودی یکی از همسران ایشان خواهدشد. خداوند با ازدواج در آوردن پیـامبر(ص) با زینب این راز را آشکار نمود. (عاملی، ۹۵/۱۴) اما ترس از مردم نیز راجع به خدا و دین او بوده است یعنی می‌ترسید که ایمان مردم بخاطره این ازدواج، سسـت شـود. (طباطبـایی، ۳۲۱/۱۶-۳۲۳) آنچه رسول‌خدا(ص) از آشکار شدن آن نگران بود سخنان مردم بـود کـه فکر می‌کردند پسرخوانده مانند پسرصلبی است و احکـام آن مثـل یکـدیگر اسـت. همـین باعث می‌شد که منافقان بگویند که محمد مارا از ازدواج با همسر پسر منـع مـی‌کنـد ولـی خودش ازدواج کرده‌است. (عاملی، ۹۸/۱۴). طبرسی بعد از بیان این دیگاه آورده است کـه از حضرت علی‌بن‌حسین(ع) هم همین روایت شده است و این تأویل موافـق تـلاوت آیـه است. خدا وند سبحان اعلام کرد که او ظاهر می‌کند آنچه را که او مخفی داشـته و آنچـه را ظاهر کرده همان تزویج بوده است. (طبرسی، ۵۶۴/۸) طبری در جـامع البیـان چنـین نقـل می‌کند: حدثنا خلاد بن أسلم، قال: ثنا سفیان بن عیینة، عن علی بن زید بـن جـدعان، عـن علی بن حسین، قال: کان الله تبارک و تعالی أعلـم نبیـه صـلی الله علیـه و سـلم أن زینـب ستکون من أزواجه، فلما أتاه زید یشکوها قال: اتق الله و أمسک علیک زوجـک، قـال الله: (وَ تُخْفِی فِی نَفْسِکَ مَا اللَّهُ مُبْدِیه) (طبری، جامع البیان، ۱۱/۲۲؛ عاملی، ۹۴/۱۴-۹۵).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

بررسی روایات

۱- روایات دیدگاه اول از نظر سندی ضعیف و دارای راویان غیرقابل اعتماد است. ولی روایت دیدگاه دوم دارای سندی صحیح است. (نکـ : حکم‌آبادی، ۴۴-۵۰)

۲- آیات زیادی اشاره به عصمت انبیا دارد (البقره ۱۲۴ و ۱۲۳؛ الحشر، ۷؛ النسـاء ۶۵ و ۸۰) و از هرگونه گناه و اشتباه مصون هستند. علاقه و چشـم‌داشـت نسـبت بـه نـاموس دیگران گناهی بزرگ است که افراد موجه جامعه مرتکب نمی‌شوند. انصاف است که چنـین چیزی را به رسول‌خدا(ص) نسبت دهیم.

۳- دیدگاه اول مخالفت دارد با سنت قطعی پیامبر(ص)، در روایتی از آن حضرت داریم که می‌فرمایند: (بعد از خودم، از سه چیز بر امتم می‌ترسم، گمراهی بعد از معرفت، فتنه‌هـای گمراه‌کننده، و شهوت شـکم و شـهوت جنسـی (کلینـی، ۷۹/۲). از رسـول‌اکـرم (ص) کـه عالی‌ترین درجات عفت را رعایت می‌کرد، بعید است که سریع دلباخته زنی شود.

۴- زینب دخترعمه رسول‌خدا (ص) بود و خودش او را برای زیـد انتخـاب کـرد، آیـا نمی‌توانست که همـان موقـع بـا زینـب ازدواج کنـد؟ (ابـن‌عبـدالبر، ۱۸۴۹/۴)، بـه دلیـل خویشاوندی آن حضرت، در طول عمرش زینب را دیده بود و به زیبایی او آگاهی داشـت. چگونه یکدفعه عاشق و دلباخته او می‌شود و در احادیـث الفـاظی ماننـد (رآهـا، اعجبتـه) می‌آورند؟ (عاملی، ۱۰۲/۱۴)

۵- خود آیه ۳۷ احزاب، اشاره دارد که پیامبر(ص) به زید گفت، همسرت را حفظ کن. چگونه آن حضرت دلباخته زینب و علاقه‌مند به جدایی او از زید است و چنـین سـخنی را بر زبان می‌آورد؟ (عاملی، ۹۶/۱۴)

۶- چه کسی از عشق مخفی پیامبر(ص) به زینب آگاه بـوده کـه آشـکار شـده باشـد؟ آن‌چه خداوند آشکار کرده ازدواج پیامبر(ص) با زینب بوده و روایـت دوم بـا ظـاهر آیـه مطابقت بیشتر دارد. (عاملی، ۹۹/۱۴)

۷- هنگامی که پیامبر(ص) جوان‌تر بود به فکر ازدواج با دخترعمه خود، زینب نیفتـاد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

در حالی‌که انسان در پیری کمتر به این مسائل فکر می‌کند. (عاملی، ۱۰۳/۱۴)

۸- پیامبر(ص) همیشه امر به تقوی می‌کردند چطور مـی‌شـود چنـین عملـی را بـه آن حضرت نسبت داد، که ایشان عاشق همسر، مرد دیگری شود. (عاملی،۱۰۰/۱۴)

۹- این‌که در برخی روایات آمده است که خداوند کراهتی بین زید و زینـب بـه وجـود آورد، مخالف با موازین شیعه اسـت، مـا چیـزی بـه عنـوان جبـر مطلـق نـداریم. ایـن‌کـه خداوند(ص) آتش را بر حضرت ابراهیم(ع) سرد کرد و تار عنکبوت در جلوی غـار تنیـده شد، برای حفظ جان پیامبران الهی است. این موضوع با ازدواج پیامبر(ص) با زینـب هـیچ سنخیتی ندارد. (عاملی، ۱۰۵/۱۴)

۱۰- در روایات نوع اول تعارض متن شدید است.

الف: آیا زینب با زید باهم نزد رسول‌خدا(ص) رفتند، پیامبر(ص) به دیدارشـان رفـت و یا این که پیامبر(ص) در غیاب زید به خانه‌اش رفت. ب: آیا هنگام شکایت زیـد از زینـب پیامبر(ص) عاشق زینب شد، یا موقع حمام زینب و یا وقتی زینب در خانـه بـود و عجلـه کرد. (عاملی، ۱۰۴/۱۴)

۱۱- برخی معتقدند این اتفاق قبل از نـزول آیـه حجـاب بـوده و هـیچ خدشـه‌ای بـه شخصیت رسول‌خدا(ص) وارد نمی‌کند. در جواب باید گفت که آن حضرت همیشه به حفظ اخلاق تأکید داشتند و بیان می‌داشتند: (انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) و ایـن یـک اصـل اخلاقی است که بدون اجازه وارد خانه کسی نشوند (عاملی، ۱۰۸/۱۴-۱۱۰)

۱۲- طبق این نکات گفته شده روایات دیدگاه اول را نمی‌توان پذیرفت. اما روایـت دیـدگاه دوم قابل پذیرش و مطابق با آیات قرآن، سنت قطعی رسول‌خدا (ص)، عقل و تاریخ است.

۱۳- از آیه قرآن و روایت شأن نزول صحیح می‌توان پی برد که آنچـه رسـول گرامـی اسلام(ص) در دل خود مخفی کرده بود ازدواج با زینب اسـت. ایشـان مـی‌دانسـتند بـرای برداشتن حکم جاهلی، که پسرخوانده را مانند پسر حقیقی خود می‌دانستند، مجبور است بـا زینب ازدواج کند.(عاملی،۹۵/۱۴-۹۶)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

۶- مقایسه سیاق سوره تحریم و آیات ۶ تا ۳۷ سوره احزاب

سوره مبارکه احزاب همانطور که گفتیم ابتدا پیرامون جنگ خندق و اقسام گروه مسلمانان سخن می‌گوید. مردم مدینه را به شش گروه مؤمنان، بهانه‌جویان، معوقین (بازدارندگان)، فی قلوبهم مرض (بیماردلان)، مرجفون (شایعه‌سازان) و منافقان تقسیم بندی می‌کند. پس از آن در آیات ۲۷تا۳۵ ابتدا همسران پیامبر(ص) را در صورت انتخاب دنیا و عدم اطاعت از خداوند و رسولش تهدید به طلاق کرده است. سپس جایگاه آن‌ها را به دلیل قرابت با آن حضرت خاص دانسته. برای آنان در صورت ابتلا به گناه آشکار، عذاب مضاعف و در صورت تقوا پیشه کردن، پاداشی دو برابر قرار داده است. سپس به همسران پیامبر(ص) هشدار می‌دهد که حضور آن‌ها در جامعه و سخنانشان طوری نباشد که بیماردلان، از آن‌ها علیه رسول‌خدا(ص) سوءاستفاده کنند. آنان را به حفظ آیات الهی و اطاعت از خدا و رسول‌گرامی اسلام(ص) ملزم می‌کند. بعد با بیان این‌که آنچه رسول خدا(ص) می‌گوید حکم خداوند می‌باشد و قطعا برای مسلمانان بهتراست، آن‌ها را آماده برای پذیرش ابطال قانون جاهلیت، که احکام پسرخوانده را مانند پسرخود می‌دانستند، می‌کند. در آیه بعد رازی در دل رسول خدا(ص) مخفی بوده و آن راز این است که آن حضرت مجبور است برای ابطال این حکم جاهلی با همسر پسرخوانده‌اش، (زینب) ازدواج کند. همان‌طور که این مطلب را سیاق آیه و روایت صحیحه اثبات می‌کند. این موضوع نیز می‌تواند جامعه اسلامی و هم‌چنین همسران رسول‌خدا(ص) را در یک امتحان قرار دهد. سوره‌ی تحریم ادامه آن اتفاقی که خداوند در سوره احزاب به همسران پیامبر(ص) و جامعه اسلامی هشدار داده بود که دچار گناه و فتنه نشوند، الآن اتفاق افتاده و مورد عتاب شدید قرار می‌گیرند. ماجرای رازی را می‌گوید که پیامبر(ص) در گذشته، ابتدا به یکی از همسرانش در میان گذاشته. او به یکی دیگر از زنان رسول‌خدا(ص) می‌گوید و این مقدمه‌ای برای یک توطئه علیه آن حضرت می‌شود. به طوری که حتی جامعه اسلامی نیز مبتلا به آن شده و خداوند راه توبه را در صورت توبه حقیقی برای آن‌ها

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

باز می‌گذارد. خداوند پیامبر(ص) را از توطئه آن دو زن باخبر کرده. آن‌ها نبی گرامی اسلام(ص) را تهدید به ادامه توطئه کرده به شرط این که پیامبر(ص) قسم بخورد که آن‌ها را طلاق نمی‌دهد. خداوند راه شکستن قسم را به پیامبر(ص) نشان می‌دهد و به آن دو زن می‌گوید اگر توبه نکنند خدا و جبرئیل و صالح‌المؤمنین و لشکر ملائکه یاور رسول خدا(ص) است. سپس به جامعه اسلامی نیز هشدار می‌دهد و می‌گوید توبه حقیقی کنند. بعد مثال زنان حضرت لوط(ع) و نوح(ع) می‌زند. آن زنان کسانی بودند که برای دشمن خبرچینی می‌کردند. باید چند نکته پیرامون آن راز مورد توجه قرار بگیرد.

۱- اگر آن راز چیزی بود که هیچ‌وقت نباید آشکار می‌شد، این شیوه عقلاست که به کسی نمی‌گویند. پیامبر(ص) که امین وحی الهی و بالاترین عقل و درک را دارند چطور آن راز را بر زبان می‌آورند. پس آن سرّ، تا زمانی که آن حضرت بر زبان نیاوردند برای ایشان راز بوده و وقتی با همسرش در میان می‌گذارد، حتما آشکار شدنش بلامانع است. حتی آیه قرآن کریم آن دو همسر پیامبر(ص) را به دلیل اقدام علیه آن حضرت عتاب می‌کند نه افشای راز. «**إِنْ تَتُوبا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُما وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْريلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنينَ وَ الْمَلائِكَةُ بَعْدَ ذلِكَ ظَهيرٌ**» (التحریم/ ۴)

۲- آن مطلب باید طوری باشد که آن حضرت ابتدا به همسران خود در میان بگذارد.

۳- از آن جایی که ابتدا همسران پیامبر(ص) را درگیر کرده پس باید طوری باشد که حسادت زنانه را برانگیزد که دست به چنین اقداماتی بزنند.

۴- علاوه بر زنان پیامبر(ص) باید طوری باشد که جامعه اسلامی را هم درگیر کند.

۵- ابتدا افشای راز اتفاق می‌افتد بعد تحریم حلال، که قبلا توضیح دادیم که آن حلال طلاق دادن همسران بوده‌است.

در سوره احزاب زنان پیامبر(ص) تهدید به طلاق می‌شوند، و در سوره تحریم این تهدید شدیدتر است. در سوره احزاب زنان پیامبر(ص) و جامعه اسلامی را به اطاعت از پیامبر(ص) دعوت می‌کند و هشدار می‌دهد، اما در سوره تحریم بخاطره عمل نکردن به آن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

هشدارها مورد عتاب شدید قرار می‌گیرند. در سوره احزاب پیامبر(ص) سرّی را در قلب خود مخفی کرده بود و آن آگاهی ایشان به این مطلب که زینب یک روز همسرشان خواهد شد. این اتفاق هم همسران پیامبر(ص) و هم جامعه را مورد امتحان و شک و تردید نسبت به رسول‌خدا(ص) قرار می‌دهد. در سوره تحریم از رازی می‌گوید که قبلا پیامبر(ص) به همسرش گفته و بقیه زنان ایشان و جامعه تحت تأثیر آن دچار شک و تردید نسبت به آن حضرت کرده و باید توبه کنند. علامه سید جعفر مرتضی عاملی این دو آیه را مثل هم دانسته و می‌گوید هر دو سخن از رازی می‌گویند که خداوند آشکارش کرده است. (عاملی، ۹۷/۱۴). در سوره احزاب با واژه «**تُخْفی فی نَفْسِک**» و در سوره تحریم با بیان «أَسَرَ» از آن راز نام برده است. نزدیک بودن سیاق آیات سوره احزاب و تحریم ما را به این نکته پیرامون شأن نزول سوره تحریم سوق می‌دهد که باید این دو سوره نزدیک به هم نازل شده باشد. ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت جحش می‌تواند آن رازی باشد که در سوره تحریم منظور است. حال باید ببینیم که تاریخ نیز این سخن ما را تأیید می‌کند یا نه.

۷- شواهد تاریخی

آنچه در کتاب‌های تاریخ آمده است این است که جنگ احزاب و ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت جحش در اواخر نیمه دوم سال پنجم هجرت رخ داده است. طبری، ابن خلدون، ابن اثیر جنگ خندق را در شوال سال پنجم می دانند. (ابن خلدون، ۴۴۰/۲؛ ابن اثیر،الکامل، ۱۷۸/۲؛ طبری، تاریخ‌الامم والملوک، ۵۶۴/۲) واقدی، ابن جوزی و ابن‌سعد جنگ خندق را در ذی‌القعده سال پنجم هجرت می‌دانند. (واقدی، ۴۴۰/۲؛ ابن‌جوزی، ۲۲۷/۳؛ ابن‌سعد، ۵۰/۲). اما در مورد ازدواج زینب با رسول خدا(ص) تاریخ سال پنجم هجرت بیان شده است. (ابن‌عبدالبر، ۱۸۴۹/۴) طبری نیز قبل از شرح وقایع جنگ خندق، ازدواج پیامبر(ص) با زینب را آورده و گفته که در سال پنجم هجرت رخ داده است. (طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۵۶۲/۲) ابن‌جوزی نیز ازدواج پیامبر (ص) با زینب را در ذی‌القعده سال پنجم ذکر کرده است. (ابن‌جوزی، ۲۷۵/۳). طبق بررسی کتاب‌های تاریخی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

به این پی می‌بریم که ازدواج پیامبر(ص) با زینب و واقعه جنگ خندق بسیار نزدیک به یکدیگر بوده است. منافقان و اشخاص بیماردل که در هنگامه جنگ خندق شک و تردید در دل مسلمانان ایجاد کرده و می‌گفتند: محمد زنان پسر را حرام کرده و خود با همسر پسرش ازدواج کرده است. (ابن‌عبدالبر، ۱۸۵۰/۴). این مسأله می‌توانست به دلیل وحی بودن و زیبایی خاص زینب، حسادت برخی همسران پیامبر(ص) را برانگیزد. علامه سیدجعفر مرتضی عاملی در سیره خود بخشی را آورده است به عنوان (زیبایی زینب از نظرعایشه) (عاملی، ۷۵/۱۴). طبری در تاریخ خود از عایشه چنین نقل می‌کند که: (یک روز که پیامبر(ص) با عایشه سخن می‌کرد پیامبر(ص) را حالت وحی گرفت و چون به خود آمد، خندان بود و می‌گفت: چه کسی پیش زینب می‌رود و بگوید که خدا او را به همسری من داده است. سپس این آیه را تلاوت کردند: «**وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذی أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ**» (**الاحزاب/۳۷**) و پشت سر آن از عایشه نقل می‌کند که من آشفته خاطر شده بودم و از زیبایی او چیزهایی شنیده بودم، از همه بالاتر او را خدا به همسری پیامبر داده بود و گفتم که او به این مطلب فخرفروشی خواهد کرد. (طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۵۶۳/۲). زینب به زنان دیگر رسول‌خدا(ص) فخر می‌کرد که شما را پدرانتان به همسری پیامبر(ص) درآوردند، اما مرا خدا به ازدواج آن حضرت درآورد. (ابن‌عبدالبر، ۱۸۵۰/۴). این خود نشان دهنده این است که ابتدا پیامبر(ص) به عایشه گفتند و او از همان ابتدا اظهار حسادت نسبت به زینب کرد. ما در حدیث ابن‌عباس آوردیم که عمر از عایشه و حفصه به عنوان آن دو زنی که علیه پیامبر(ص) اقدام کرده‌اند نام برد. متأسفانه ازدواج زینب با پیامبر(ص) ابتدا برخی از همسران ایشان و سپس جامعه اسلامی را تحت تأثیر قرار داد.

نتایج مقاله

۱- شأن نزول های واردشده پیرامون سوره تحریم برخی دارای اشکال سندی بوده. آن‌هایی که حتی دارای سندی قوی می‌باشد با سیاق آیات، عقل و سنت قطعی رسول

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

خدا(ص) مطابقت ندارد. بنابراین ضعیف و غیر قابل استناد می‌باشند.

۲- خطوط کلی آیات سوره تحریم روشن می‌کندکه رازی را پیامبر(ص) با همسرش در میان می‌گذارد، همین مقدمه توطئه‌ای می‌شود که ابتدا برخی از همسران پیامبر(ص) و سپس کل جامعه اسلامی را تحت تأثیر قرار داده باشد.

۳- مقایسه سیاق آیات سوره تحریم و سوره احزاب حاکی از آن است که سوره تحریم در ادامه سوره احزاب و در طی یک واقعه مشترک نازل شده‌است.

۴- در سوره احزاب به همسران پیامبر(ص) و جامعه اسلامی هشدار می‌دهد، اما در سوره تحریم به دلیل توجه نکردن به آن هشدارها توبیخ می‌کند. در هردو سوره نیز سخن از رازی می‌گوید که خداوند آن را آشکارکرده است.

۵- با بررسی تاریخی حوادث سال نزول سوره احزاب، تنها واقعه‌ای که می‌تواند هماهنگ با سیاق آیات سوره تحریم باشد، ازدواج پیامبر(ص) با زینب‌بنت‌جحش است.

۶- آن رازی که در سوره تحریم آمده‌است که پیامبر(ص) با برخی از همسرانش درمیان گذاشت، ازدواج با زینب بوده است.

۷- این واقعه می‌توانست به دلیل برهم زدن قانون جاهلی برابر دانستن احکام پسرخوانده با پسر صلبی جامعه را تحت‌تأثیر قرار دهد. همچنین منافقان بتوانند نسبت به رسالت رسول گرامی اسلام شک و تردید ایجاد کنند. به دلیل وحی بودن امر به این ازدواج و زیبایی خاصی که زینب داشت، می‌توانست حسادت برخی همسران پیامبر(ص) را برانگیزد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمودبن‌عبدالله، روح‌المعانی فی‌تفسیرالقرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن‌اثیر، عزالدین‌بن‌اثیر، اسدالغابة فی‌معرفةالصحابة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.
۴. ابن‌جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی التاریخ الأمم و الملوک، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق /۱۹۹۲م.
۵. ابن‌خلدون، عبدالرحمن‌بن محمد، تاریخ ابن‌خلدون، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.
۶. ابن‌سعد، محمدبن‌سعد، الطبقات‌الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق /۱۹۹۰م.
۷. ابن‌شهرآشوب، محمدبن‌علی، مناقب‌آل‌ابی‌طالب علیهم‌السلام، قم، نشرعلامه، ۱۳۷۹ق.
۸.ابن‌عبدالبر، یوسف‌بن‌عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.
۹. ابن‌عربی، محمدبن‌عبدالله، احکام‌القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق /۲۰۰۳م.
۱۰. ایزدی، مهدی؛ فقهی‌زاده، عبدالهادی؛ چینی‌فروشان، طاهره، نقش آیات تعلیل در سوره احزاب، فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، سال یازدهم، شماره اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۱۱. بابایی، علی‌اکبر، استقلال نزول آیه تطهیر و تأثیر آن در ظهور و فهم معنای آیه، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال۸، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۱.
۱۲. بخاری، محمدبن‌اسماعیل جعفی، صحیح‌البخاری، دمشق، دارطوق‌النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۳. بختیاری، شهلا؛ تقوی، هدیه؛ سنخ‌شناسی و تبیین رفتاری مسلمانان در همراهی با پیامبر(ص) درغزوه خندق براساس سوره احزاب، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا، سال بیست و سوم، شماره ۱۷، بهار۱۳۹۲.
۱۴. برزگر، محمد؛ فقهی‌زاده، عبدالهادی؛ جعل و تحریف در اخبار سبب نزول سوره تحریم، فصلنامه حدیث پژوهی، سال نهم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۱۵. بلاغی، عبدالحجت، حجت‌التفاسیر و بلاغ‌الاکسیر، قم، چاپ حکمت، ۱۳۸۶ش.
۱۶. حکم‌آبادی، حجت‌الله؛ رئیسیان، غلامرضا؛ اسماعیلی‌زاده، عباس؛ ابهام زدایی از آیه ۳۷ سوره احزاب با تکیه بر نقد سندی و محتوایی روایات، فصلنامه علوم‌قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا، سال شانزدهم، شماره۴، زمستان ۱۳۹۸.
۱۷. دارقطنی، السنن دراقطنی، بیروت، الرسالة، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۴م.
۱۸. ذهبی، شمس‌الدین محمدبن‌احمد، تاریخ‌الاسلام و وفیات‌الشهیر والاعلام، بیروت، دارالکتاب‌العربی، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.
۱۹. همو، سیر اعلام‌النبلاء، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.
۲۰. زمخشری، ابوالقاسم محمودبن‌عمرو، الکشاف عن‌حقایق‌الغوامض‌التنزیل، بیروت، دارالکتب‌العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۱. سلمان‌زاده، جواد؛ خامه‌گر، محمد، نقد و ارزیابی روایات شأن نزول سوره تحریم، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال نوزدهم، شماره۱، بهار۱۳۹۲.
۲۲. سمعانی، عبدالکریم‌بن‌محمد، الانساب، هند، حیدرآباد، دائرةالمعارف‌العثمانیة، ۱۳۸۲ق / ۱۹۶۲م.
۲۳. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الدرالمنثور فی‌تفسیربالمأثور، قم، کتابخانه آیةالله مرعشی‌نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۴. همو، لباب‌النقول فی‌اسباب‌النزول، بیروت، دارالکتب‌العلمیه، بی‌تا.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی‌تفسیرالقرآن، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۲۶. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع‌البیان‌فی‌تفسیرالقرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

۲۷. طبری، محمدبن‌جریر، جامع‌البیان‌فی‌تفسیرالقرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۸. همو، تاریخ‌الامم‌والملوک، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ق، ۱۹۶۷م.
۲۹. عاملی، سید جعفرمرتضی، الصحیح‌من‌سیرةالنبی‌الاعظم، تهران، مؤسسه علمی دارالحدیث، ۱۴۲۶ق/۱۳۸۵ش .
۳۰. عسقلانی، احمدبن‌علی، تهذیب‌التهذیب، هند، دارالمعرفه نظامیه، ۱۳۲۶ش.
۳۱. عسکری، سیدمرتضی، نقش عایشه در احادیث اسلام، مترجم: محمدجواد کرمی، تهران، دانشکده اصول‌الدین، ۱۳۷۸ش.
۳۲. قمی، علی‌بن‌ابراهیم، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۳۳. کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۳۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۵. مزّی، یوسف‌بن‌عبدالرحمن، تهذیب‌الکمال فی‌اسماءالرجال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۰ق/ ۱۹۸۰م.
۳۶. مفید، محدبن‌نعمان، المسائل‌العکبریة، تحقیق علی‌اکبر الهی خراسانی، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۳۷. همو، الجمل، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۸.مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۳۹. میرباقری، سیدمحسن، ظاهرقرآن باطن قرآن، تهران، نشرعمد، ۱۳۹۰ش.
۴۰. نفیسی، شادی، علامه طباطبایی و حدیث، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
۴۱. نووی، محیی‌الدین یحیی‌بن‌شریف، شرح‌النووی علی‌المسلم، بیروت، داراحیاءالتراث، ۱۳۹۲ق.
۴۲. واحدی، اسباب‌النزول‌القرآن، بیروت، دارالکتب‌العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۴۳. واقدی، محمدبن‌عمر، المغازی، بیروت، مؤسسةالاعلمی، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.7.8]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]